# جلسه 6

**چهارشنبه - 05/۰8/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به حرمت لهو بود.

عرض کردیم دلیلی بر حرمت مطلق لهو نداریم. آنچه حرام است استعمال آلات لهو است.

ولی بحث مهم این است که آیا حرمت استعمال آلات لهو مطلق هست یعنی فرق نمی‌کند چه به کیفیت لهویه باشد، چه به غیر کیفیت لهویه و اگر قائل بشویم به اختصاص حرمت به فرضی که استعمال آن به کیفیت لهویه باشد همآن‌طور که در استعمال آلات مشترکه بین لهو و غیر لهو فرموده‌اند حرمت آن مختص است به فرضی که کیفیت، لهویه باشد. ببینیم مراد از لهو چیست؟

#### اختصاص حرمت استعمال آلات لهو به کیفیت لهویه

اما این‌که حرمت استعمال آلات لهو مطلق است یا مختص است به کیفیت لهویه، ظاهر مشهور این هست که حرمت استعمال آلات لهو مطلق است. آن چیزی که عرفا آلة اللهو به شمار بیاید مثل نی، طبل و این ابزارهای جدید، استعمال اینها مطلقا حرام هست.

#### آقای خوئی: حرمت مطلق استعمال آلات لهو

از جمله کسانی که صریحا این نظر را قائل شدند مرحوم آقای خوئی است. فرموده در صراط النجاة جلد 1 صفحه 307: استعمال آلات اللهو یحرم مطلقا و لایجوز حفظها. باز سؤال کردند:‌هل یجوز ضرب الدفوف فی الاعراس و موالید اهل البیت علیهم السلام؟ فرمودند: لایجوز فانه من آلات اللهو. صفحه 372 از صراط النجاة جلد 1. باز سؤال شده: هناک آلات موسیقیة مثل الطبل و المزمار، ‌مزمار همان نی هست، و الضرب بالاوتار، ‌تار زدن، من ضمنها العود و البیانو، پیانو، ‌هل هذه آلات لهویة و هل صنعت للهو؟ ایشان فرمودند نعم و اللعب بها و العزف ‌علیها لایجوز. سؤال: ما الحکم فی استخدامها فی المجالس و التعزیات و المواکب الحسینیة؟‌جواب: لایجوز. سؤال: هل هناک واقعا آلات غیر لهویة یجوز اللعب بها ام جمیع الآلات الموسیقیة لهویة؟ جواب: تختلف الآلات الموسیقیة فبعضها لهویة. قبلا گفت که طبل و نی و تار و پیانو آلات لهویه‌اند. بعضها لهویة فلایجوز استعمالها مطلقا و لابیعها و لاشرائها و بعضها الآخر غیر لهوی و النوع غیر اللهوی لابأس ببیعه و شرائه.

[سؤال: ... جواب:] بله؟ ... مثلا طبل‌هایی که در عزای امام حسین، مخصوص می‌سازند برای عزای امام حسین، ‌فرمودند که این آلت لهو نیست.

این عبارت در منیة‌السائل بود که استفتائات ایشان را جمع کردند صفحه 171. باز این خیلی روشن‌تر هست: هل یجوز استعمال جهاز تلفزیون و الفیدیو لمشاهدة المحاضرات الدینیة و المجالس الحسینیة؟ از ویدیو استفاده کردن، از تلویزیون استفاده کردن، ‌فی فرض استعمال تلفزیون فقط یعدّ عرفا آلة لهو. در فرضی که عرفا تلویزیون آلت لهو حساب بشود. ایشان می‌گویند لو فرض انه من آلات اللهو لایجوز فتحه للمباح ایضا. اگر واقعا تلویزیون آلت لهو است، ‌برای شنیدن سخنرانی هم نمی‌شود روشن کرد.

البته بعضی از استفتائات از ایشان هست فرمودند در جواب این سؤال: هناک بعض انواع الموسیقی التی لایکون القصد منها التلهی، در پرانتز نوشته الموسیقیٰ الکلاسیکیة التی یقال انها تؤثر فی هدوء الاعصاب و هکذا الحال فی بعض الاناشید الحماسیة الحربیة التی لیست من مجالس اهل اللهو و الفسوق هل یشرع الاستماع الیها؟ فاجاب لابأس بمثله. خب ایشان آلات لهو را مطلقا حرام می‌دانست استعمالا استماعا.

[سؤال: ... جواب:] بله؟ ... خود این فتح تلویزیون گفت لایجوز فتحه للمباح. فتح می‌کنید که گوش بدهید دیگه. ... بین استعمال و استماع اینها فرقی نگذاشتند. ... نه. بحث در این است که استعمال آلات لهو، حالا این یک احتمالی است ما مطرح کردیم، بعد عرض می‌کنم که گفتیم بر فرض استعمال آلات لهو مطلقا حرام باشد کار آن آواز خو‌آن‌که به غیر کیفیت لهویه از این ابزار‌ها استفاده می‌کند اشکال پیدا می‌کند.

#### ملازمه بین استعمال واستماع

دلیلی بر ملازمه حرمت استعمال آلات لهو مطلقا با حرمت استماع به آن در موردی که کیفیت، لهوی نباشد ما نداریم. این را ما عرض کردیم و الا نوعا آقایان تلازم می‌بینند. ... و اما اذا کانت الموسیقیٰ بوسیلة لیس منها فان کان علی الکیفیة المتداولة فی مجالس اللهو فاستماعها حرام. دقت کنید! می‌گوید اگر آلات مشترکه باشد و کیفیت، ‌لهویه باشد استماع حرام، کیفیت، غیر لهویه باشد استماع ظاهرش این است که مطلقا استماع را حرام می‌داند. در آلات مشترکه تفصیل داد. گفت استعمال آلات اللهو یحرم مطلقا و لایجوز حفظها و اما اذا کانت الموسیقیٰ بوسیلة لیس منها، ‌جزء آلات لهو نیست، فان کان علی الکیفیة المتداولة فی مجالس اللهو فاستماعها حرام و الا فلامانع منه. در آلات غیر مختصه لهو تفصیل داد در حرمت استماع بین این‌که کیفیت، لهویه باشد، استماع حرام است، ‌کیفیت لهویه نباشد استماع جایز است. این ظاهرا در این است که در آلات مختصه لهو مطلقا استماع را مثل استعمال حرام می‌داند.

مرحوم آقای تبریزی در صراط النجاة حاشیه زده‌اند. فرمودند که، در ادامه این فرمایش آقای خوئی، اول فرمایش آقای خوئی را بخوانم. سؤال، صراط النجاة جلد 2 صفحه 283: سؤال این است: هل استعمال تلفزیون التی یؤدّ عرفا آلة‌لهو فی البرامج المحللة جایز ام ان مشاهدتها هی الجایزة من دون استعمال للتلفزیون؟‌آقای خوئی:‌لو عدّ عرفا من آلات اللهو لم یجز استعماله مطلقا و ان لم یؤد منها عرفا بان یکون من آلات المشترکة جاز استعماله فی تلک البرامج. مرحوم استاد آقای تبریزی: اذا کان الشیء من آلات اللهو لم یجز بیعه و شرائه و استعماله فی اللهو خاصة. اگر آلت لهو بود لم یجز بیعه و شرائه. بیع و شراء جایز نیست. و استعماله فی اللهو خاصة، ‌استعمال آن هم در خصوص لهو حرام است. خب ایشان انصراف دیده در ادله حرمت استعمال آلات لهو. خب روایت سکونی می‌گفت انهاکم عن الذفن و المزمار و الکوبات و الکبرات. ‌شما را نهی می‌کنم از نی، یعنی از نواختن نی و از نواختن کوبات و کبرات، طبل بزرگ و کوچک. مرحوم آقای خوئی ادعا می‌کند اطلاق دارد. نهی می‌کند ما را از نواختن نی، ‌از نواختن طبل. اطلاق دارد. مرحوم استاد ادعای انصراف می‌کنند به استعمال لهوی.

#### کفایت شبهه انصراف به استعمال لهوی

به نظر ما شبهه انصراف هم باشد یعنی احتمال قرینه لبیه متصله بدهیم که انصراف داشته باشد این خطاب به مناسبت حکم و موضوع به استعمال لهوی کافی است. ما در مقدار شک رجوع می‌کنیم به اصل برائت.

#### حذف متعلق موجب اجمال است

بلکه یک قاعده اصولیه را هم می‌توانیم اینجا تطبیق کنیم. انهاکم عن المزمار متعلقش محذوف است. انهاکم عن التلهی بالمزمار یا عن استعمال المزمار؟ کدام؟ معلوم نیست. و ما بارها گفتیم اگر متعلق محذوف بشود در کلام به نحوی که کلام مدلول تصوریش ناقص باشد، یعنی عرف در مقام تصور بگوید این کلام یک مقدری دارد، ‌نهی که به نی تعلق نمی‌گیرد، ‌نهی به طبل تعلق نمی‌گیرد، پس مقدر دارد، ‌این مقدر و محذوف چیست نمی‌دانیم.

[سؤال: ... جواب:] این روایتی که شما می‌خوانید حالا که سندش هم ضعیف بود، دعایش هم مستجاب نمی‌شود که دلیل بر حرمت نیست که. دعای کسی که صاحب طبل است مستجاب نمی‌شود. خب صاحب طبل من فعلا نیاز به استجابت دعا ندارم. این دلیل بر حرمت نمی‌شود. وانگهی صاحب طبل این عنوان مشیر است. یعنی کسی که استخدام می‌کند طبل را، ‌به چه عنوان؟ استخدام لهوی یا مطلق استخدام؟ روشن نیست.

بهر حال می‌توانیم از این قاعده اصولی هم استفاده کنیم که حذف المتعلق موجب للاجمال و لایفید العموم. اثر ظاهر آلات لهو استعمال لهوی است.

[سؤال: ... جواب:] آن اشکال اول بود که انصراف دارد به استعمال لهوی. اگر هم انصراف را اما از آن راه نپذیرفتیم از راه حذف متعلق که مفید عموم نیست این مطلب را اثبات می‌کنیم.

و لذا این مدعای مرحوم استاد به نظر ما پذیرفته است که انصراف دارد حرمت استعمال آلات لهو به استعمال آن به کیفیت لهویه.

[سؤال: ... جواب:] حالا راجع به بیع و شراء می‌رسیم؛ بحث می‌کنیم. حالا فعلا بحث خود ضرب است و استعمال آن.

#### نفی ملازمه حرمت استعمال غیر لهوی با حرمت استماع

بر فرض کسی بگوید استعمال مطلقا حرام است. انهاکم عن المزمار. پیامبر فرمود من شما را نهی می‌کنم از نواختن نی. چه فرق می‌کند؟ چه نی به کیفیت لهویه بنوازیم چه به کیفیت سوزناکی بنوازیم که گفت بشنو از نی. خب چه فرق می‌کند؟ اطلاق دارد. این بر فرض اطلاق داشته باشد، ‌شاید حکمت این بوده که شارع مطلق استعمال آلات لهو را ممنوع کند. اما دلیل نمی‌شود استماع آن‌که کار مؤمنین و مؤمنات است در منازل‌شان، ‌در مواردی که کیفیت، لهویه نباشد، ‌ملازمه ندارد که این استماع حرام باشد. ما این را عرض کردیم الان هم عرض می‌کنیم. ملازمه‌ای بین حرمت ضرب آلات لهو و لو به غیر کیفیت لهویه و حرمت استماع آن در مواردی که کیفیت، ‌لهویه نباشد وجود ندارد. شاید حکمتی منشأ شده که مطلق استعمال را حرام کنند ولی در مورد استماع این متقضی برای مطلق تحریم استماع وجود نداشته.

#### ملازمه استعمال لهوی با استماع

اما استماع آن موسیقی لهوی غیر از این‌که دلیل خاص داشت، دلیل‌هایی داشت، عرفا هم ملازمه دارد. اگر بناء‌باشد که استعمال ابزار موسیقی حتی به کیفیت لهوی هم جایز باشد عرفا لغو است فقط نواختن او ممنوع است اما هزاران نفر بیایند شرکت کنند به قول شما‌ها چی می‌گویید؟ چی چی تشکیل بدهند، ‌اینها خلاف فهم عرفی است.

[سؤال: ... جواب:] حالا ببین! شما الان را حساب می‌کنید، برنامه قرآن و برنامه معارف و می‌گویید آلت لهو نیست که. خب زمانی که این اسفتائات سی، چهل سال قبل که تنظیم می‌شده، اغلب استفاده‌های تلویزیون حرام بود، می‌شد آلت لهو و آلت حرام. ... حالا ما که بحث تلویزیون نداریم که. شما بحث را به حاشیه می‌برید. ما دو تفسیر داریم راجع به آلة اللهو. حالا شاید این بهانه شد مطلب شما که ما این بحث را مطرح کنیم قبل از این‌که معنای لهو را بپردازیم.

#### دو تفسیر برای آلت لهو:

#### آقای خوئی: ما غلب استعماله فی اللهو

آلت لهو یک تفسیر این است ک ما غلب استعماله فی اللهو که تفسیر آقای خوئی هست.

#### آقای صدر: ما اعدّ للهو

یک تفسیر این است که ما أعدّ بطبعه للهو. یعنی عرفا این ابزار تناسب عرفیش با لهو است و لو بیایند یک ابزاری را که با هر دو چیز مناسب است ولی نوعا استفاده لهوی کنند او آلت لهوی نمی‌شود. تلویزیون ابزار پخش برنامه است. لم یعدّ، معدّ‌بالطبع برای لهو نیست. بر خلاف آلات ملاهی. به تعبیر مرحوم آقای صدر در تعلیقه منهاج آلت لهو آنی است که ما یعدّ بطبعه للهو نا ما غلب استعماله فی اللهو. و لذا تلویزیون حتی زمان قدیم آلت لهو نبوده. مثل بلندگو است. بلندگو ابزار پخش است. تلویزیون ابزار پخش است. رادیو ابزار پخش است. حالا غالبا استفاده حرام و لهوی می‌کنند این را آلة‌اللهو نمی‌کند. ایشان مثال می‌زند در تعلیقه منهاج. می‌گوید مثلا آلت قتل. شمشیر آلت قتل است؛ اعدّ للقتل. اما چاقو فرض کنید که و لو بیایند معمولا در یک محیطی با آن، انسان را بکشند، نمی‌گویند ابزار قتل. یا فرض کنید یک جایی با طناب افراد را خفه کنند، نمی‌گویند ابزار قتل. طناب ابزار قتل نیست؛ طناب معد است برای لباس پهن کردن، برای بار بستن. حالا استفاده سوء می‌شود از او، و غالب هم بشود این استعمال این عرفا آلت قتل نمی‌شود یا در مانحن‌فیه آلت لهو نمی‌شود.

[سؤال: ... جواب:] یعنی عرفا آنی که تناسب عرفی است تلویزیون آلت لهو نیست. بستگی دارد که چه نوع استفاده‌ای از او بکنیم. اما تناسب عرفی پیانو با استعمال لهوی است. این می‌شود آلت لهو. ولی تلویزیون آلت لهو نیست.

#### خلاصه بحث

و الحاصل ما معقتدیم انصراف دارد حرمت ضرب آلات لهو به آن جایی که ضرب به کیفیت لهویه باشد وفاقا للشیخ الاستاد و السید السیستانی. و اگر هم ما مثل آقای خوئی بگوییم استعمال آن مطلقا حرام است، مثل مرحوم آقای خوئی، مثل مرحوم آقای گلپایگانی ولی می‌گوییم دلیلی بر ملازمه بین حرمت استعمال و حرمت استماع در مورد کیفیت غیر لهویه ما نداریم.

#### تحقیق معنای لهو

مهم در مقام این است که معنای لهو ببینیم چیه. این بحث مشکلی است.

ما اول به کلمات لغویین مراجعه کنیم، بعد به کلمات فقهاء، بعد روایات را ببینیم، ‌ببینیم چه نتیجه‌ای می‌گیریم.

#### کلمات لغویین در معنای لهو

اما کلمات لغویین:

در کتاب العین می‌گوید اللهو ما شغلک من هوی او طرب. هر چیز که شما را مشغول بکند، ‌سرگرم بکند، طرب بشود یا خوش‌گذرانی، ‌هو به معنای خوش‌گذارنی است، یا طرب، چیزی که شما را سرگرم بکند، مشغول بکند. و العامة تقول تلهّیتُ و یقال ألهیته‌ای شغلته. او را سرگرم کردم.

[سؤال: ... جواب:] چرا دیگه. و الاشتغال بالملاهی در روایات بود. بعد هم عرفا وقتی که می‌گویند انهاکم عن المزمار و الکوبات و الکبرات خب این انصراف عرفیش یعنی آن آلات لهو دیگه. از باب لهو است دیگر. ... در روایات که بود کلمه لهو. در این روایت انهاکم عن الذفن و المزمار و الکوبات و الکبرات که معتبر بود این تعبیر نبود ولی انصرافش به آلات لهو است. خصوصیت دارد مزمار و کوبات و کبرات؟ خصوصیت دارد؟ پیانو این حکم را ندارد؟ خب این ظهور عرفیش یعنی در آلات لهو. ... مطرب را که در غنا گفتند. غنا با استعمال آلات لهو متفاوت است. در غنا بحث هست که غنا، کیفیت صدا است، الصوت اللهوی یا الصوت المشتمل علی الترجیع یا الصوت الذی من شأنه الاطراب، این بحث دیگری است در تفسیر غنا. ما بحث در تفسیر غنا نمی‌کنیم. بحث ما در ضرب آلات لهو است. تامل بفرمایید. لهو گفت ألهاه‌ای شغله.

در کتاب المحیط می‌گوید اللهو الصرف عن الشیء. باز داشته شدن از یک چیز.

معجم مقاییس اللغة: کل شیء شغلک عن شیء فقد ألهاک.

مفردات راغب: اللهو ما یشغل الانسان عما یعنیه و یهمّه. هر چیزی که انسان را باز بدارد و سرگرم کند تا فکر نکند راجع به آن چه که برای او لازم هست و مهم است. قال تعالی: انما الحیوة الدنیا لعب و لهو. و ما هذه الحیوة الدنیا الا لهو و لعب. قال تعالی: ألهاکم التکاثر. یعنی شغلکم التکاثر. رجال لاتلهیهم تجارة و البیع عن ذکر الله.

#### معنای لغوی لهو: سرگرمی

خیلی سخت می‌شود این‌جور. لهو معنای فارسیش آن وقت می‌شود سرگرمی. آن وقت اگر این‌جور باشد استعمال آلات لهو به کیفیت لهو حرام است، یعنی چیزی که موجب سرگرمی است. مثل آن چوپانی که خسته شده، گوسفندانش مشغول چرا هستند، ‌تنهایی حوصله‌اش را سربرده، می‌گوید سرگرم کنیم خودمان را با این نی زدن. ممکن است جوری نی بزند که قلب مولای رومی کباب بشود. او دیگه لهو است؛ سرگرم شده.

[سؤال: ... جواب:] بله؟ ... نه. بحث هدف که... بحث این است که این استعمال، لهوی است. حالا هدفش اصلا به قول بعضی از افراد که متاسفانه حرف‌های نادرست می‌زنند، ‌هدفش اصلا تقرب الی الله باشد. می‌گوید من با این موسیقی به خدا نزدیک می‌شوم. اصلا هدف تقرب اللی الله است. ممکن است بعضی‌ها صوفی مسلکند این‌جوری فکر کنند. مجلس سماع دارند. بحث هدف نیست. بحث این است که این استعمال لهوی است. ... نخیر. نخیر. ضرب آلات لهو... مطلق لهو اگر حرام باشد بحث دیگری است. ما گفتیم خصوص ضرب آلات لهو حرام است. ... بابا! انهاکم عن المزمار. ... ما تمام این روایات را که بررسی کردیم منحصر شد حرام به ضرب آلات لهو. و الا اگر شما گفتید مطلق لهو حرام است مثل شیخ انصاری که آقای گلپایگانی هم قائل بود خب ملتزم می‌شد ایشان دیگه. ایشان می‌گفت کف زدن در مجلس حرام است بناء بر احتیاط حرام. چرا؟ برای این‌که مصداق لهو است. ... استعمال آلات لهو که عرفا انصراف دارد به ضرب آلات لهو. ... حالا بحث را توسعه ندهید. بگذارید همین که آماده پختن کردیم پخته بشود. ده تا غذای دیگه در کنارش عرضه نکنید. فعلا ضرب آلات لهو هست. آنی که می‌گوید لهو حرام است یا استعمال آلات لهو‌، ‌به قول شما چی گفتید؟ ... خب می‌دانم. آقای گلپایگانی که بالاتر از این را ملتزم شد. ... می‌گویم بالاتر از این را ملتزم شد؛‌گفت کف زدن بناء بر احتیاط واجب حرام است. این چه نقضی است که شما می‌کنید؟ اگر به ما نقض می‌کنید ما فقط ضرب آلات لهو را گفتیم دلیل بر حرمت دارد.

و فی نهایة ابن اثیر...

[سؤال: ... جواب:] به هر عرفی بگویی نی، طبل، می‌گوید آلت لهو. نمی‌گوید آلت طرب.

در نهایة ابن اثیر: اللهو اللعب. تلهیت بالشیء اذا لعبت به و تشاغلت و غفلت به عن غیره.

در قاموس و صحاح اللغة هم گفتند: لهو، لعب هست.

این کلمات لغویین است که مشکلی را برای ما حل کرد. جوری معنا کردند لهو را که معنایش این است که مطلق سرگرمی لهو است.

#### تفسیر لهو در کلمات فقهاء

در کلمات فقهاء ما تفسیر واضحی ندیدیم در کلمات متقدمین برای لهو. متاخرین متعرض تفسیر لهو شدند. از مرحوم شیخ انصاری شروع می‌کنیم.

#### تفسیر شیخ انصاری ره

شیخ انصاری قائل به حرمت مطلق لهو است. فرموده:‌لکن الاشکال فی معنی اللهو. فانه ان ارید به مطلق اللهو کما یظهر من الصحاح و القاموس فالظاهر ان القول بحرمته شاذ مخالف للمشهور و السیرة. فان اللعب هی الحرکة‌لالغرض عقلائی. حالا ایشان می‌گوید لعب بازی بدون غرض عقلائی است. و لاخلاف ظاهرا فی عدم حرمته علی الاطلاق.

حالا ما اشکالات مطالب را همین‌جور عرض کنیم؛ تکرار نشود.

#### لعب ممکن است لغرض عقلائی باشد

لعب ما نفهمیدیم لا لغرض عقلائی ایشان برای چه می‌گوید. ممکن است بازی باشد با غرض عقلائی. این‌طور نیست که لعب منحصر باشد به بازی لالغرض عقلائی. حالا ایشان این‌جور معنا می‌کند.

بعد می‌گوید: نعم لو خص اللهو بما یکون عن بطر، اگر بگوییم لهو، لعب نیست، هر چیزی که همراه هست با بطر، بطر و فسرت بشدة الفرح. شادی زیاد، کان الاقوی تحریمه. مرحوم شیخ می‌گوید اگر کاری بکنید خیلی شاد بشوی، این اقوی حرمتش است. مواظب باش به حال بطر و فرح شدید نرسد.

#### عدم حرمت فرح شدید

واقعا کاری انسان بکند دچار فرح شدید بشود این حرام است؟ آخه ایش‌آن‌که بحث ضرب آلات لهو نیست. دارد معنای لهو را بیان می‌کند. خب اگر کسی می‌گوید به دوستش که یک جوکی بگو که خستگی‌مان بر طرف بشود، ‌از آن جوک‌های ناب، این شدیدا شاد می‌شود، می‌گوید خدا تو را شاد کند، ‌دل ما را شاد کردی، خب این حرام است؟ بر خلاف متشرعه نیست التزام به این؟

بعد ایشان می‌گوید، [در] ادامه می‌گوید، و یدخل فی ذلک الرقص و التصفیق می‌گوید این حرام است. تصفیق کف زدن. و الضرب بالطشت بدل الدف. و کلما یفید آلات اللهو. بعد می‌گوید که یک عنوان دیگری غیر از عنوان لهو داریم و آن عنوان لعب و لغو است. اما لعب ظاهر بعض لغویین این بود که همان لهو است اما ظاهر عطفش در قرآن، انما الحیوة الدنیا لهو و لعب، عطف هم کردند ظاهرش این است که با هم فرق می‌کند. بعد می‌گوید ممکن است هم کسی بگوید اذا اجتمعا افترقا اذا افترقا اجتمعا است. مثل فقیر و مسکین.

خلاصه برای شیخ روشن نیست که آیا لعب همان لهو است و عطفش در قرآن از باب اجتمعا افترقات است یا معنای دیگری دارد.

ولی می‌گوید هیچکس من ندیدم قائل به حرمت لعب بشود مگر ابن ادریس حلی. و شاید ایشان هم مرادش از لعب لهو است.

#### معنای "لغو"

و اما اللغو فان جعل مرادف اللهو کما یظهر من بعض الاخبار کان فی حکمه. اگر از بعض اخبار که استفاده می‌شود لغو همان لهو است، خب حکم لهو را دارد.

که به نظر ما این هم درست نیست. لغو یعنی کاری بیهوده دیگه؛ کار بی اثر عقلائی. لهو به معنای بیهوده نیست. لعب هم به معنای بیهوده نیست. لغو بیهوده است از نظر عقلائی.

[سؤال: ... جواب:] نه. آدم حرف‌های لاطائلات می‌زند لغو است اما لهو نیست. لعب هم نیست. لغو فعل یا قول بیهوده است که اثر عقلائی ندارد. لعب بازی است و لو بازی عقلائی و لهو هم حالا معنایش را داریم بررسی می‌کنیم که تا حالا یک معنای روشنی پیدا نکردیم. این‌جور که لغویین و شیخ معنا کرد، لغویین گفتند که سرگرمی، شیخ معنا کرد: شدة الفرح. ما یکون فیه البطر و شدة الفرح.

#### تفسیر سائر فقهاء برای "لهو"

مرحوم آشیخ حسن کاشف الغطاء، این فقیه بزرگ و گمنام در انوار الفقاهة این‌جور می‌گوید. می‌گوید اللهو الذی من شأنه ان یُنسی ذکر الله و عبادته و یلهی عن اکتساب الخیر و الرزق. بعد می‌گوید حرامٌ سواء کان بآلة او بدونها کالرقص و بعض انواع التصفیق می‌گوید بعضی از اقسام کف زدن. لابد کف زدن‌های برای تشویق کردن افراد است آنها را می‌خواهد خارج کند، نمی‌دانم. و اقتناء بعض الطیور للعب بها و صید اللهو. ایشان این‌جور معنا می‌کند.

مرحوم ایروانی می‌گوید لهو عبارت است از التهاء عن الشیء. یعنی با سرگرم شدن و فکر نکردن به یک چیز می‌گویند انهاه عنه. ولی مراد در روایات از لهو این است: حالة الالتهاء عن الله لا مجرد الانصراف الفعلی عن الله و الا وجب ان یکون الشخص ذاکرا لله دائما. ایشان می‌گوید لهو آنی است که انسان را از خدا غافل می‌کند نه این‌که همیشه انسان باید ملتفت بالفعل باشد به خدا، نه، ولی بعضی از اشیاء هست انسان را در ارتکازش هم از خدا غافل می‌کند. و این را ما نمی‌دانیم چه چیزی است که موجب لهو می‌شود که انسان را ارتکاز هم از خدا غافل می‌کند. باید حدیث مصداقش را بیان کند که ایشان می‌گوید خب حدیث مصداقش را ضرب آلات لهو بیان کرده.

[سؤال: ... جواب:] آخه التفات تفصیلی به خدا که لازم نیست. شما الان مطالعه هم که می‌کنید التفات تفصیلی به خدا ندارید. این‌که حرام نیست. پس باید بگوییم این‌که ضرب آلات لهو تلهی عن ذکر الله یک نوع بازدارندگی عمیق‌تری است که در درون نفسش هم تاثیر می‌گذارد، در اعماق نفسش تاثیر می‌گذارد و او را باز می‌دارد از یاد خدا نه صرف این‌که بالفعل انسان مشغول چیز دیگری می‌شود. شما مشغول مطالعه هم بشوید از یاد خدا تفصیلا باز می‌مانید. این مهم نیست. مهم این است که در اعماق جان‌تان از خدا غافل نشوید. و مصداق آنی که غافل می‌کند انسان از در اعماق جانش از یاد خدا عبارت هست از ضرب آلات لهو.

مرحوم آقای بروجردی، این را سریع عرض کنم، فرموده که لهو آنی است که انسان را از حالت طبیعی خارج می‌کند، یک نوع مستی ایجاد می‌کند که دیگه عقل بر انسان حاکم نیست.

حالا این‌جور معنا کردن برای لهو که یک نوع مستی ایجاد کند که انسان دیگه عقلش بر او حاکم نیست، خودش را تکان می‌دهد، این دانشمند کذا و فارغ التحصیل کجا می‌بینید برایش جوری موسیقی می‌زنند این رفتار غیر عادی از خودش بروز می‌دهد، این معلوم است عقلش در این حالت تحت تاثیر قرار گرفته، یک نوع مستی در او ایجاد شده این می‌شود لهو محرم.

تامل بفرمایید ان شاء الله کلام آقای خوئی را در این‌که لهو چیست ان شاء الله جلسه آینده توضیح می‌دهیم.